

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سرگئی میرونین- س. پاکروسکی
برگردان از: ا. م. شیر
۲۶ اگست ۲۰۱۷

قحطی بزرگ در اوکراین – راست و دروغ

مطالعه و بررسی علمی قحطی سالهای ۱۹۳۲-۱۹۳۳

مقدمه

موضوع قحطی برای تدوین کنندگان این مطلب به طور طبیعی به مثابه واکنش به هیاهوی سیاسی بیست سال اخیر پیرامون حوادث اوایل سالهای ۱۹۳۰ مطرح شد. در مورد قحطی به اندازه کافی سخن گفته شده است. جویندگان حقیقت از مدتها قبل جعلیاتی را که بر اساس تصاویر کلاً متعلق به "قحطی‌زدگان" سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۳ و به طور کلی، بر اساس حوادث کشورهای دیگر صورت گرفته، مشخص کرده‌اند. جداسازی حقه‌بازانه اوکراین از تصویر کلی گرسنگی واقعاً قابل بحث در آن زمان در اتحاد شوروی از مدتها قبل افشاء شده است. از مدتها پیش "ارزش محاسبات" جمعیتی که بر مبنای آن اظهاراتی دایر بر شمار قربانیان گرسنگی می‌شود، آشکار گردیده است. هیچ یک از اینها موجب نگرانی توجیه‌گران قحطی نمی‌شود. و بر این اساس، با اطمینان کامل می‌توان گفت، که هیاهو پیرامون قحطی به جست و جوی حقیقت ربطی ندارد. همه این سر و صداها با هدف کاملاً دیگری به راه افتاده است. با این وجود، آیا می‌توان به هدف این همه هیاهو پی برد؟ آری، هدف از آن روشن است. و آن، از چهارچوب تنگ حوادث سالهای ۱۹۳۰ بسیار فراتر می‌رود.

پرسش‌ها

مطالعه را از چه باید شروع کرد؟

البته از پرسش‌ها. اگر همه چیز واضح باشد، به تحقیق نیازی نیست. اما، چگونه روشن است؟ معمولاً زمانی که موضوع با صراحت کامل بیان می‌شود. انسان هنگامی به درک یک موضوع شروع می‌کند، که سؤال برای او مطرح می‌شود. ابتداء سؤالاتی ساده و بی‌غرضانه. مثلاً:

۱- جالب است که گرسنگان سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۳، گرسنگان لنین‌گرا در سالهای محاصره و یا سالهای ۱۹۴۶-۱۹۴۷ به صورت انبوه به تحلیل می‌رفتند، وزن مردم به آرامی کاهش می‌یافت، به طور مرتب لاغر می‌شدند، به

اسکلت متحرک تبدیل می‌گشتند، و پس از آن می‌مردند. اما در میان "گرسنگان وحشتناک" سال ۱۹۳۳ اسکلت متحرک وجود نداشت. چاقی و مرگ سریع در اثر چاقی، علامت مشخصه گرسنگی آن سال بود.

۲- چرا هیچ اطلاعی از مرگ دسته جمعی یهودیان اشتتِل (یهودیان اشکنازی) اوکراین در دست نیست؟ شمار جمعیت یهودی اوکراین در آن سالها تقریباً به یک و نیم تا دو میلیون نفر می‌رسید. آنها محصولات غذایی تولید نمی‌کردند، غله هم به بازار عرضه نمی‌شد و چون در مؤسسات دولتی کار نمی‌کردند، سهمیه دولتی هم دریافت نمی‌کردند. اما این برادران زنده ماندند... به عقیده یهودیان اشکنازی نسل اولیه یهودیان در شهر کوچکی به نام اشتتِل و روستاهای اطراف آن در شرق اروپا پدید آمدند و از آنجا به سراسر جهان پراکنده شدند.

۳- چرا باروری خاک سیاه و حاصلخیز اوکراین در سال ۱۹۳۳، که در آن سالها به طور متوسط ۵ تن در هر هکتار بود، قابل ملاحظه نبود؟ آیا این میزان در خاک حاصلخیز اوکراین طبیعی بود؟ چرا میزان باروری در لایه نازک خاک استان‌های مسکو و ایوانوف ۸ تن در هر هکتار، و در مناطق شمالی (استان‌های ولگاگراد و آرخانگلسک)، حتی ۱۰ تن در هر هکتار بود؟ آیا این یک امر طبیعی است که: خاک هر چه بدتر، باروری همانقدر بیشتر؟

۴- چرا در شهر اودسا، که جیره غذایی به ۷۰ تا ۱۰۰ گرم در شبانه روز کاهش داده شد، میزان مرگ و میر افزایش نیافت، ولی در روستاها افزایش یافت؟

۵- چرا از خانه‌های خانواده‌هایی که با علائم چاقی جان سپردند، پس از مرگشان مقادیر معتدبه‌ای غلات کشف می‌شد؟ آنها اصولاً نه تنها نباید گرسنگی می‌کشیدند، بلکه باید با حرص و ولع زیاد می‌خوردند. آیا آنها برای اعلام همبستگی با گرسنگان به مرگ تن می‌دادند؟ آیا به عقل شان نمی‌رسید برای اعلام همبستگی، موجودی غلات خود را با گرسنگان تقسیم کنند؟

هیچ گونه حیل‌مگری نهفته در پشت این سؤالات مشاهده نمی‌شود و اگر نتوان بر آنها چشم پوشید، یا باید اذعان کرد که قحطی و مرگ و میر زیاد در سال ۱۹۳۳ یک دروغ بوده و یا باید پاسخ دیگری برای آن یافت.

دهقانانی که گندم‌شان را مصادره کردند، نمی‌توانستند خیلی سریعتر از یهودیان اشتتِل که اصلاً گندم نداشتند، از گرسنگی بمیرند. اتفاقاً عکس آن صحیح است. یا، شاید، یهودیان به تغذیه نیاز ندارند؟ و بدون غذا زندگی می‌کنند. اما پرسش‌های جدی‌تری هم وجود دارند.

۶- در نامه شولوخوف به ستالین در باره دهقانان عضو تعاونی‌ها گفته می‌شود، که خرمن‌ها را نمی‌کوبند و آنها را می‌پوسانند. می‌گویند، ما همین طوری هم می‌توانیم بخوریم و دولت هم نمی‌تواند غلات نکوبیده را به خارج صادر کند. البته، فکر بسیار خوبی است. اما... نگهداری چنین گندمی ممکن نیست و خوردن آن هم توصیه نمی‌شود. طبق موازین کشاورزی، نابود کردن غله جنایت است.

۷- در نامه شولوخوف به ستالین در باره نتیجه تحقیقات کمیسیون از مزارع غلات گفته می‌شود، که آزمایشات نشان داد بذرهای جوشانیده شده و فقط آن قسمت از بذرهای به جا مانده از برداشت محصول سال قبل رسته است. واضح است، مزارعی که به طور عادی کاشته شده، هیچ تفاوت محسوسی با علفزار ندارد و حتی نمی‌توان آنها را از همدیگر تمیز داد.

۸- بسیار عجیب است که مردم در موسم کشت سال ۱۹۳۲، قبل از برداشت محصول آن سال، در باره بروز قحطی و گرسنگی صحبت می‌کردند. برداشت محصول به پایان می‌رسد و نتیجه معلوم می‌گردد، اما هیچ تدبیری برای رهایی از چنگال گرسنگی اندیشیده نمی‌شود. در مناطق جنوبی، پس از برداشت محصول غلات، هنوز یک موسم کامل کشت و زرع در پیش است. می‌توان سیب‌زمینی، شلغم، لوبیا به عمل آورد. هیچ اشاره‌ای به گرسنگی در آینده نمی‌شود. اما

دولت تدارک خود را در منطقه قفقاز شمالی درست در جریان برداشت محصول دید. در ماه جولای همه چیز واضح و روشن شد که گندم وجود ندارد، می‌توان سیب، گلابی، آلبالو، گیلان، زردآلو، انگور، ... خشک کرد اگر چه میوه‌های خشک پروتئین کافی ندارند، اما به حد کافی مغذی هستند و تا تابستان می‌توان دوام آورد. مهمتر از همه این که، چنین تدارکی بسیار آسان است. همسر یکی از تدوین کنندگان همین مطلب (س.پ.) همه ساله انواع میوه و میوه‌های پخته‌ای خشک می‌کند.

۹- مخالفان تروتسکیست خارجی به عملیات گسترده خرابکاری و توحش بی‌حد و حصر در مورد زمین‌های زراعی تعاونی‌های کشاورزی اشاره می‌کنند. اسناد حزبی از کاهش ۴۰ درصدی محصول در اوکراین حکایت می‌کنند. اما، علاوه بر اعضای کالخورها (تعاونی‌های کشاورزی غیردولتی)، که بد کار می‌کردند، می‌زدیدند، محصولات را فاسد می‌کردند، کشاورزان مستقل هم وجود داشتند. سهم آنها از مزارع اوکراین ۲۱ درصد و از محصول گندم ۲۳ درصد بود. پس از آن که تدارک در اوکراین اجباری گردید، ۵۸ درصد از میزان برنامه‌ریزی شده تدارک شد. کالخورها ۶۰ درصد و دهقانان مستقل ۳۸ درصد از میزان تعهدات خود را محقق ساختند. با این حساب، مجموعاً ۳۳۰ میلیون پوت^(۱) غله در اوکراین تدارک دیده شده بود که آن هم بر راحتی می‌توانست اوکراین را از مشکل عبور دهد. چنین مستفاد می‌شود که موجودی غلات خوب احتکار شده توسط کشاورزان مستقل اوکراین به ۲۵ میلیون پوت می‌رسید. این مقدار برای تغذیه یک ماهه آن زمان جمهوری اوکراین یا برای تغذیه کافی جمعیت دهقانی به مدت یک ماه و نیم و برای تغذیه نیمه‌سیر آنها به مدت سه ماه کفایت می‌کرد. به این ترتیب، با در نظر گرفتن زمان ثبت تدارکات (۲۰ جنوری سال ۱۹۳۳) تا برداشت غله تازه، ۶ ماه زمان در پیش بود. ضمناً، این ارقام با احتساب شباهت کاهش باروری زمین‌های دهقانان مستقل با زمین‌های تعاونی‌های خصوصی کشاورزی (کالخورها) و بدون محاسبه میزان نامعلوم سرقت از مزارع تعاونی‌ها توسط دهقانان مستقل مشخص شده بود. اما به رغم عملیات خرابکاری و سرقت دهقانان مستقل از خود، بازدهی زمین‌ها ۴۰ درصد کاهش نیافت. چرا؟ این به معنای چیست؟ این، به آن معناست که میزان برداشت دهقانان مستقل در واقع می‌بایست ۱ و ۷ دهم برابر بیشتر از تعاونی‌ها باشد. با توجه به این اصلحیه، تنها بخش کشاورزی فردی می‌توانست غله کافی برای تغذیه نیمه‌گرسنه همه جمعیت دهقانی تا برداشت محصول جدید در اختیار داشته باشد. علاوه بر این، بی‌توجه به اختفای غلات توسط دهقانان مستقل، در ۲۰ جنوری سال ۱۹۳۳ روستاهای اوکراین فاقد هر گونه غله فرض شده است.

اما همه این در شرایطی بود، که ۲۰ درصد روستائیان اوکراین را کشاورزان مستقل تشکیل می‌دادند. به طور میانگین، آنها ۴۰ درصد دهقانان را در استانهای حاصلخیز مرکزی که دچار قحطی شد، و در سراسر اتحاد شوروی تشکیل می‌دادند. سهم آنها از اجرای برنامه تدارک غله در استانهای حاصلخیز مرکزی به ترتیب ۶۰ و ۴۰ درصد بود. به سخن دیگر، به استثنای بهترین برداشت محصول از مزارع دهقانی فردی و بدون احتساب سرقت غله از مزارع تعاونی توسط دهقانان مستقل، فقط مجموع غلات بخوبی احتکار شده خود آنها در استانهای مرکزی برای ۴ ماه تغذیه جمعیت این استانها (۹۰ درصد روستائی) کفایت می‌کرد. طبیعتاً، عمل به موازین و معیارهای مسئولیت و کمک‌های متقابل دهقانی لازمه این امر بود. به خصوص این که، روستائیان با هم بیگانه نیستند. همه با همدیگر قوم و خویشند، خواهر و برادراند. بنا بر این، نمی‌توانستند از همدیگر حمایت نکنند. افزایش ناگهانی مرگ و میر باید دلایل دیگری داشته باشد. اینها فقط چند پرسش ساده بودند. اما سوالات بسیار عجیب دیگری هم هست.

۱۰- در اوکراین، سیاست اوکراینی‌سازی جاری بود و اغلب کادرهای سیاست "اوکراینی‌سازی" یهودی تبار بودند. ۹۷ درصد کارکنان ادارات سیاسی دولتی را آنها تشکیل می‌دادند. به موازات پیشبرد سیاست اوکراینی‌سازی، تحصیل

یهودیان به زبان یدیش (زبان یهودیان اشکنازی مترجم) در همان اوکراین سرعت توسعه یافت. یهودیان به مناطقی که در چنگ خود داشتند، هویت یهودی می‌بخشیدند. پس از گرسنگی سال ۱۹۳۳، تحصیل به زبان یدیش در اوکراین ناگهان متوقف گردید و یهودی‌ها به مسکو و لنینگراد سرازیر شدند.

واقعیت بسیار عجیب و غریبی است. اما این واقعیت با قحطی ۱۹۳۳ گره خورده است. اگر نتوانیم این رابطه را طی مطالعات خود روشن سازیم، باید آن را کنار بگذاریم. فعلاً این موضوع را به خاطر بسپاریم و به دنبال پاسخ‌ها بگردیم. از مشکل مطروحه در نامه شولوخوف، به سخن دقیق‌تر، از قزاق‌های دُن شروع می‌کنیم. مزارع آنها چنان پر از علف‌های هرز است که نمی‌توان با مزرعه عادی تشخیص داد. اما خود قزاق‌ها، غلات در حال فاسد شدن را بدون نگرانی می‌کوبند. یعنی بسادگی محصول درو شده را نابود می‌سازند. در غلات در حال فاسد شدن قارچ‌های بسیار سمی سریع‌اً رشد می‌کند (آفلاتوکسین‌ها، اما در این باره، در ادامه) غله به سم تبدیل می‌شود. قزاق‌ها گندم برداشت شده را با خیال راحت به سم تبدیل می‌کردند. تمام، آیا آنها به طور کلی با کار کاشت و داشت و برداشت آشنائی داشتند؟ بجوئیم بباییم.

قزاق‌های دُن تا سال ۱۸۶۹ به کشاورزی مشغول نمی‌شدند. در سال ۱۸۶۹ اولین بار زمین‌های قشون استان دُن را بین آنها تقسیم کردند. در سال ۱۹۰۰ در حدود ۶۶ درصد قزاق‌ها صاحب قطعه زمین بودند. اما حداقل ۱۰ درصد آنها به علت فقدان ملزومات به طور کلی هیچ کاری بر روی زمین‌هایشان نکردند. پس بقیه؟

اما بقیه همان طور که در ادبیات قبل انقلاب منعکس شده، به طرز بسیار ابتدائی روی زمین کار می‌کردند. قزاق‌ها با وجود در تملک داشتن قطعه زمین‌های ۵ برابر بیشتر از دهقانان بومی، محصول بسیار کمتر از دهقانان به دست آوردند. این به معنای چیست؟ به مفهوم آن است، که میانگین ثمردهی در قطعه زمین‌های قزاق‌ها نسبت به زمین‌های کشاورزان بومی دُن و، اضافه کنیم، نسبت به مزارع غله سرمایه‌داری ۶ برابر کمتر بود. در خصوص کشاورزی قزاق‌ها چنین هم گفته می‌شد: زمین‌ها آلوده می‌شوند و حاصل‌خیزی خود را از دست می‌دهند. بذر، نامرغوب است. ادامه دارد ...

اما، ادامه ترجمه و تقدیم آن به دلیل طولانی بودن (۱۸ - ۲۰ برابر بیشتر از بخش حاضر) و مشغله زیاد، احتمالاً بعد از جشن‌های صدمین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر میسر خواهد شد. مترجم

http://vybor.ua/article/grazhdanskoe_obschestvo/pravda-i-loj-nauchnoe-issledovanie-golodomora-1932-33g-g.html

برای تکمیل "قحطی اوکراین: تنها اسناد می‌تواند حقیقت را آشکار کند"، به قلم گروور فور با برگردانی هاتف

رحمانی در اینجا

۱۳۹۶/۰۶/۳